صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره پنجاه و هشتم

نشانی کانال تلگرام شهرونگ: telegram.me/Shahrvang

ایمیل صفحه شهرونگ: shahrvang@shahrvand-newspaper.ir

شهرونگ

روحانی در بازدید از غرفه شهرونگ:

با مذاکره‌کننده‌ها عکس نمی‌گیریم، بعدا شر میشه!

- مدیر مسئول «شهروند» به روحانی: ما خواستیم یه روزنامه اجتماعی داشته باشیم، دیدیم نمک نداره ییخورده زهرماری سیاست قاطیش کردیم!
- رئیس جمهوری: دولت چرا از فضای رسانه حمایت نمی‌کند؟! چرا اینترنت پر سرعت نمی‌دهد؟ چرا نظام رسانه‌ای را برپا نمی‌کند؟! بله؟! آها دولت خود ماییم!
- روحانی: من از شما می‌پرسم، از قلم شکسته کاری ساخته است؟! با شما هستم! با شمایی که قلمت شکسته! چرا جواب نمیدی؟!

#معماری_نیوز

حدادعادل: آقایان اصلاح‌طلبان از [رأی آوری] ما می‌ترسند!

- اصلاح‌طلبان: بیشتر از رأی، از هیکل پهلوانی حداد می‌ترسیم!
- آگاهان: عقل حکم می‌کند اگر طرف مقابل زورش زیاد است، بترسد!
- ناآگاهان: آخه حداد جان، از اتحاد اصولگرایان بترسیم؟! از سی و یکم شدنشون بترسیم؟! از برنامه‌های قوی‌شون بترسیم؟! دقیقا از چی نگران باشیم؟!

#سی_و_یک #اصفهان #ضرغامی

گمشده‌ها

برگزاری کنسرت در ترکمنستان

آنچه شما از وزیر جدید ارشاد خواسته‌اید

شهرام شهیدی
طنزنویس
shahraam_shahidi@yahoo.com

صالحی‌امیری به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب شد. مردم کوچه و بازار چه انتظاری از وزیر ارشاد جدیدشان دارند؟

سلیمان از بالای پشت‌بام: راستش ضمن تشکر از قبول مسئولیتشان از ایشان درخواست می‌کنم شرایط پخش سریال‌ها را تسهیل کنند. به‌ویژه شب‌ها شبکه جم سرِیز پارازیت وحشتناکی دارد و ما نفهمیدم ایزل با کوزی دشمن بود یا نه. لطفا صبح‌ها دوباره پخشش کنن.

ساینا هستم از کتابفروشی‌های خیابان انقلاب: من با قرض و قوله کتاب شعرم را به زیور طبع آراستم و اینک که کتاب من در بهار زندگی‌اش به سر می‌برد، یک نفر من باب تماشا و تفرج هم شده به کتاب سرای قدم نمی‌نهاد که کمینه این کتاب مرا تورقی کند و نیمچه لبخندی حتی به تلخی تحویل نماید. لذا حال که شمارگان کتاب محبوبم با شکستن قلک کودکی و هزینه پول داخل آن در پروسه چاپ کتاب به ۳۲۷ نسخه رسیده و تنها دو نسخه از کتاب توسط نامزد دوستم و به ضرب و زور و تهدید به عدم ازدواج با او خریداری شده، از وزیر جدید ارشاد تقاضامندم، چونان قیمت کاغذ و منقولات چاپ را بیفزاید که دیگر هیچ جوان خامی چون من هوس نکند کتاب شعرش را چاپ بنماید و این‌طور سرخورده از درون و شرمنده دوست و خانواده و آشنا از برون گردد.

ماهان از مشهد: بالاغیرتا ما باید برای یک کنسرت برویم یک استان دیگر؟ حالا شهر همجوار هم نه؟ اَد یک استان دیگر؟ یعنی اگر در آذربایجان‌غربی زندگی می‌کردیم، برای دیدن یک کنسرت باید یک تک پا تشریف می‌بردیم آنتالیا؟ خب آنتالیا بهشان نزدیک‌تر است تا استان همجوار. آن هم با عبور از دریاچه خشک ارومیه. حالا نمی‌شود وزیر جدید ارشاد اگر نمی‌تواند در مشهد کنسرت برگزار کند، حداقل کاری کند که خوانندگان محترم در ترکمنستان و دوشنبه کنسرت بگذارند؟ همه امکانات کشور که نباید غربی باشد و در غرب خلاصه شود!

جلال از پایانه غرب: ما این همه حنجره‌هایمان را فدا نکردیم که فروشنده برود اسکار. اولا جشنواره اسکار باید بشود اسمال. بعدش هم فیلم ساقی بهتر نیست؟ خدایی‌اش بهتره دیگه. اصلا ساقی اسم با مسماتریه تا فروشنده. وزیر جدید ارشاد مسئوله که اسم اسکار را عوض کنه و فروشنده را هم به مام وطن برگردونه

مینو از آشپزخانه اوپن: تساهل و تسامح هم حدی داره. بنده یک کتاب آشپزی خریدم و گام به گام مثل اون عمل کردم تا یک غذای خوشمزه برای خانواده‌ام درست کنم. اصلا هم چیزی را جا نینداختم اما نتیجه کار؟ غرزدن شوهر و شکستن ظروف توسط ایشان که چرا غذا شور است. خب سیاست‌های فرهنگی ارشاد شورش را درآورده که به این کتاب‌های شب‌نامه طور مجوز چاپ میده. من خواستار برخورد قاطع ارشاد با نویسنده کتاب مذکور و تبعیدایشان هستم.

فری کثافت: چرا هیچ‌کس به فکر ممیزی کاغذهای ساندویچ رقبا نیست؟ تهاجم فرهنگی از همین جاها آغاز میشه. ساندویچی { بیب } روی کاغذ ساندویچش نوشته فست‌فودِ بخور بخور. خودشان با تساهل تشویق به بخور بخور می‌کنند و بعد یابواب می‌دهند و در خیابان دنبال دزد مجازی می‌دوند و داد می‌زنند ای دزدای دزد. دست تیم رسانه‌ای‌تان رو شده و وزیر جدید باید برجک‌تان را بیاورد پایین!

سمانه از بزرگراه رسالت: ایشان اگر یک‌بار تابلوهای مغازه‌ها را دیده باشد، میز وزارت را ترک می‌کند. وامصیبتا. هفت مغازه کنار هم هستند همه نوشته‌اند زاپاتای اصل و ویژه. زاپاتا؟ بیگانه‌پرستان. حداقل دو تا سریال می‌دیدید اسم هر هفت مغازه را می‌گذاشتید ساندویچ حسام بیک اصل و ویژه. زاپاتا هم شد اسم؟

تماشاخانه

محمدرضا ثقفی | کارتونیست | email: sunysaghafi@yahoo.com

کوچه اول

علی‌اکبر محمدخانی | یه شب یه اسب بالدار از آسمون اومد پایین، گفت: چه آرزویی داری؟ من که با دیدنش جا خورده بودم، با بُغض گفتم: آرزو دارم هندونه‌فروش بشم. اونم گفت: هر کاری می‌کنم تا به آرزوت برسی. هیچی منم براش یونجه ریختم گفتم: بخور، جون بگیری، فردا خیلی کار داریم، که گفت: غذای من شعر و موسیقیه، از این چیزا نمی‌خورم. خلاصه اون شبو گرسنه خوابید، صبح که بیدار شد، دید بهش افسار بستم و یه پالونم روش انداختم، خیلی بهش برخورد. اومد با شاخ سولاخم کنه، دید شاخشو بریدم. اومد فرار کنه، دید سَر پَر بالاشو چیدم، نمی‌تونه پرواز کنه. گفتم: چته؟ مگه نگفتی هر کاری می‌کنی، به آرزوم برسم؟ گفت: چرا خودم کردم که لعنت برخودم باد. هیچی الان هر روز می‌برمش میدون هندونه بارش می‌کنم، می‌فروشم. انقدرم کتاب شعر و موسیقی بهش خُروندم، در به در دنبال یونجه می‌گرده. خواستم بگم قول بی‌خودی ندید که‌توش بمونید.

کوچه دوم

ارمغان زمان فشمی

قرار (۱)

گروه شهرونگی‌ها شود جمع — اگر خوش داشتی سمپات باشی
تو باید پنجشنبه، ساعت ۳ — نمایشگاه مطبوعات باشی

قرار (۲)

یکی با یار خود دارد قراری — یکی هم با رئیس پولداری
نخور غم، در نمایشگاه امسال — تو هم با ما قرار ویژه داری!

قرار (۳)

اگر نقدی است، ما خواهان آنیم — بیا در غرفه مطرح کن، بدانیم
دعا کن تا نمایشگاه بعدی — کنار دوستان باقی بمانیم!

تلفنخونه

-سلام، آقا می‌خواستم بگم من الان به شما زنگ نزدم!

تلفنچی: بله؟ شما الان زنگ زدید دیگه!

-نه، من زنگ نزدم، من یه ورزشی‌ام! اصلا من مخابراتیم! من خود تلفنچی هستم، من وصله شهرونگ هستم! نه من زنگ نزدم، من موبایلم دست همه هست، دست پرستارا هست، دست عکاسا هست، دست دربون شورای شهر هست، شاید اونا زنگ زدند! من زنگ نزدم!

تلفنچی: آقای جدیدی، حالا چیزی نشده!

-کی؟ من عباس جدیدی نیستم! من یه نفر دیگه‌ام! من جدیدی نیستم! من نمی‌دونم چرا کی داره صدای منو تقلید می‌کنه، قیافه‌م رو تقلید میکنه! من نه با پورحیدری خدا بیامرز عکس انداختم، نه با تتلو! این عکس‌های توی شورای شهرم فتوشاپه، فقط یه سوال اون آقایی که روی سکوهای قهرمانی بود قیافه‌اش آشناست، شما می‌دونی کیه؟!

تلفنچی: نه والا! شبیه حمید ماهی‌صفت بود! ولی مردم هم دونسته ندونسته رفتند به جای حمید ماهی‌صفت به عباس جدیدی نامی رأی دادند!

#شیب #بام #اخلاق_پهلوانی

شهر فرنگ

جواد علیزاده | کارتونیست

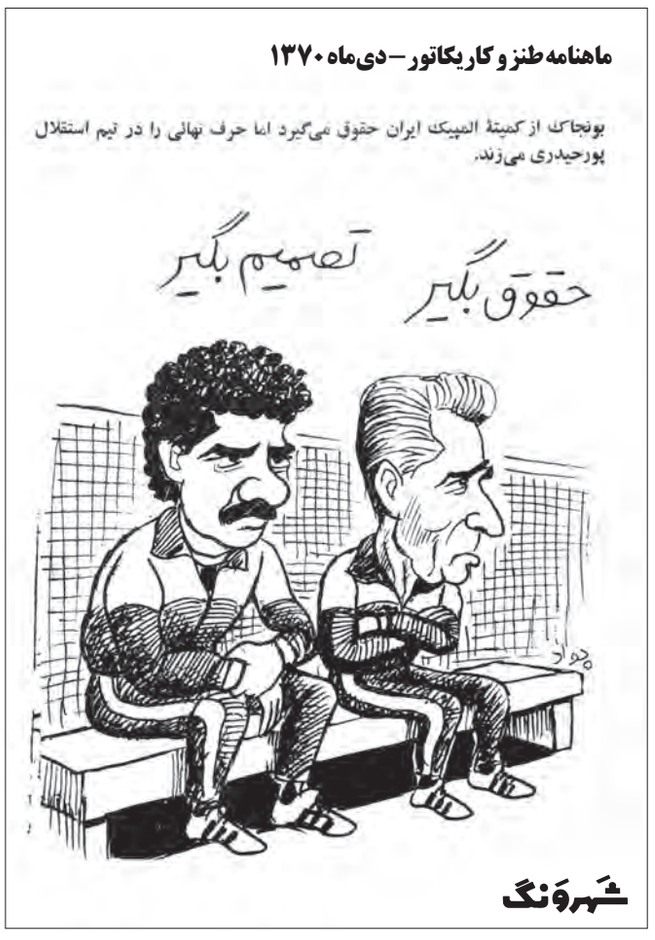

زورخونه

پله پله تا ملاقات ترامپ!

برنامه صفحه نوزده

سوشیانس شجاعی‌فرد
طنزنویس
soshyians.fard@gmail.com

یک مجری شبیه علیرضا منصوریان: سلام، به برنامه صفحه نوزده امشب خوش آمدید. امشب در برنامه صفحه نوزده درباره انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا صحبت خواهیم کرد. میهمانان این برنامه آقایان کامران نجفی‌زاده (سرش را تکان می‌دهد) و جک استراو (نیشش را مثل اسب باز می‌کند) عمر خیام (بدون توجه به دوربین و حاضران جامش را که حاوی آب معدنی است، سر می‌کشد) با ما در استودیو هستند و همچنین آقای حمید معصومی‌نژاد از رم از طریق اسکایپ با ما در ارتباط خواهند بود! آقای معصومی‌نژاد نظر مردم ایتالیا درباره انتخابات آمریکا چیه؟

معصومی‌نژاد: مردم ایتالیا همسو با همه ملت‌های آزاده و شریف دنیا، با چشمانی نگران به این انتخابات نگاه می‌کنند و مانده‌اند عین آدم‌های معقول طرفدار کلینتون باشند یا از برلوسکونی درونشان پیروی کنند و برای ترامپ هورا بکشند! حمید معصومی‌نژاد...

علی منصوریان: ممنون از شما...

معصومی‌نژاد: ... رم

علی منصوریان: بله عرضم به حضورتون که آقای نجفی‌زاده، کمی از گرایش‌های درونی مردم آمریکا بگویید؟

کامی: مردم آمریکا با تنفر به رهبرانشون نگاه می‌کنند، به خاطر این دورویی‌ها، به خاطر این فساد اخلاقی این دونفر سر به بیابان‌های لاس‌وگاس گذاشته‌اند (خیام جام آب معدنی‌اش را بالا می‌برد) چون آقای منصوریان شما نمی‌دونید، مردم آمریکا همه از دم انسان‌های شریف و پاکی هستند، من در این مدتی که باهاشون بودم، پی بردم مردم آمریکا اصلا شبیه رهبرانشون نیستند، همه انسان‌های بااخلاق، درستکار، با ایمان! شب‌ها که مردم دنیا خوابند، اینها میرن سر کار! آدم‌های کاری، آدم‌های انسان! اصلا برای همینه از ترامپ و هیلاری بدشون میاد!

جک استراو: البته من باید تصحیح کنم صحبت‌های کامی‌رو، مردم آمریکا هم همچین آدم‌های علیه‌السلامی نیستند! همین مدونا! همین شارون استون! همین علاقه‌مندان به عمل‌های زیبایی! آن خانم اهل تگزاس! خواننده‌های شیطان‌پرست! اپل! اینترنت، همه اینها که دشمنان بشریت هستند، همه آمریکایی هستند! درستش را بخواهید اصلا ترامپ نصف رأی‌اش رو از همین ماجرای دست‌درازی به زن‌ها به دست آورده! مردها بهش رأی دادند! چون شبیه اون‌هاست! همه جای دنیا اینطوریه! مردم به کسانی که شبیه‌شون هستند، رأی می‌دهند! حالا یک عده سوراخ دعا را گم کرده‌اند، می‌روند خیریه، یک عده می‌روند با مردم کشاورزی می‌کنند، یک عده می‌روند بازار، یا سوار اتوبوس می‌شوند! ولی ترامپ میره با مردم کشتی کج می‌بینه! میره نایت کلاب! با نصف زن‌های آمریکا برای تور گلابگیری رفته به سانفرانسیسکو که مزارع بزرگ گل و صنایع گلابگیری داره! اصلا «شهروند» افتخاری سانفرانسیسکو هست! اصلا داره رئیس‌جمهوری میشه که با اون نصف دیگه زن‌ها هم بله!

علی منصوریان: بله... آقای استراو وقتمون رو به اتمامه! جناب آقای خیام، چطور ممکنه که بعد از آدم معقولی مثل اوباما، یک آدم نامعقولی مثل ترامپ بیاد روی کار!

خیام (درسکوت و درحالت یک دست جام آب معدنی و یک دست زلف جک استراو است، به افق نگاه عاقل اندر افقی می‌اندازد) آقای خیام؟! خوبید؟ عرض کردم که...

خیام (با همان نگاه و با صدای احمد شاملو طور): اسرار ازل را نه تو دانی و نه من...

مجری (که منتظر بقیه شعر است، ولی خبری نمی‌شود!): بله... تشکر می‌کنیم از استاد خیام، وقت ما هم به پایان رسیده، در روزهای آینده هم باز از انتخابات آمریکا با شما صحبت خواهیم کرد!

نگاهی ◄ شعار هفته: *شعار ندهیم! *رمز مودم هر شخصی، جزو حریم خصوصی هر کسی است، مثل رمز عابر بانک نیست که همه ببرند و همه ببرونند! *برو دهر که دلش خواست شکایت بکند، شهر باید به بی‌فایده بودن شکایت عادت بکند! *فرزند بیشتر، بار اله بیشتر، زندگی بهتر! هایکو: *عباس کیارستمی: علف‌های نورسته به جا نمی‌آورند در خان گهر! *چگونه در موبایل دیگران فضولی می‌کنند؟ ساکنان شهرهایی که متروندارند... اتوبوس... خرافه هفته: *شیطان را جنه معمولا داخل سری و جام قلیون

FRIENDS: *مونیکا: من چاق نیستم، دورین آدمو ده کیلو چاق نشون میده!... / چندلر: خب چند تا دوربین داشتند از تو فیلم می‌گرفتند؟! *چندلر: راه خدا! راس چرا آن قدر بزرگ شدی؟ / راس: همونجایی که رفت معرفی کرد رفتم! / چندلر: زن بهت گفت بری خورشید؟! *(راس بعد از سفید کردن دندونته که از بیرون دیدمش!

طول به چه ماند؟ گفت به موبایل بی‌شارژ! *(خبر از مطالعه) *سوسک جعبه کفش کی؟ (خبر از مطالعه) *(قلیان ناصری) دوبیتی: زلال را بیتن، دو دمیده (قلیان ناصری) *بیستون را بنه که ماه کشیده به عقیق شعر بن (کار کو فصلی) *بیکن را بیتن، دو دمیده (قلیان ناصری) *سوسک جعبه کفش کی؟ (خبر از مطالعه) *: خرافه هفته: